



طرفدار اخوان در واکنشی جالب نوشت: «اگر هدف سریال معرفی محمود عزت به مردم بود، باید بگوییم موفق شده! قبل از این سریال، مردم نمی دانستند محمود عزت کیست، اما حالا به دنبال او گشته و عاشقش شده اند!» این اظهارات نشان می دهد که چگونه طیف اخوان سعی می کند از شکست خود یک پیروزی رسانه ای بسازد. واکنش منتقدان مستقل و جریان های مخالف دولت؛ برخی صفحات منتقد دولت نیز به شیوه تولید و ترویج این سریال حمله کرده اند. آن ها معتقدند شرکت «المتحد» با ارسال دستورالعمل های یکسان به رسانه های برای پوشش خبری سریال (بالفاظی چون «ضربه قاصده»، «خنثی سازی نقشه تروریستی» و...) در حال تحمیل یک «ذهنیت امنیتی» به جامعه و عمق بخشی به شکاف های اجتماعی است. به زعم آن ها، این سریال با وجود جذابیت های ظاهری، از عمق انسانی و هنری لازم برخوردار نیست و صرفاً به توجیه عملکرد دستگاه های امنیتی می پردازد.

مهمترین نقطه قوت سریال، تکیه آن بر اسناد رسمی، تحقیقات قضایی و احکام قطعی دادگاه ها علیه اعضای اخوان است. این مسئله به اثر، اعتبار و باورپذیری بالایی بخشیده است. منتقدان از بازی احمد غزی در نقش یک افسر امنیت ملی و همچنین بازی امیر کراره که سابقه درخشانی در نقش های وطنی (مثل سریال «الاختیار») دارد، تمجید کرده اند. به گفته آن ها، انتخاب دقیق بازیگران برای «جای نشینی» درست در نقش ها، تأثیرگذاری کار را دوچندان کرده است. سریال توانسته تعادلی میان صحنه های تعقیب و گریز مهیج و لحظات انسانی و اجتماعی مرتبط با خانواده ها برقرار کند. منتقدان معتقدند کار با وجود تلاش برای واقع گرایی، به شدت یک بعدی است و صرفاً به «تمجید» از دستگاه امنیتی می پردازد، بدون اینکه به تحلیل ریشه های اجتماعی و سیاسی پدیده تروریسم بپردازد. برخی معتقدند این سریال بیش از آن که یک اثر هنری باشد، یک «بیانیه سیاسی» است و به جای ایجاد پرسش، صرفاً به ارائه پاسخ های از پیش تعیین شده می پردازد.

اما چرا سریالی درباره یک رهبر بازداشت شده، این قدر برای السیسی و دولت مصر مهم است؟ پاسخ در «احیای حافظه تاریخی» نهفته است. اخوان المسلمین تلاش می کند خود را به عنوان یک جنبش مذهبی صلح طلب و قربانی کودتا معرفی کند. سریال «راس الافعی» بر خلاف این برداشت می کوشد تا افشای لایه های پنهان و تروریستی این گروه، به طور سیستماتیک به ناوود کردن سرمایه اجتماعی و نمادین آن ها در جامعه مصر بپردازد. دولت السیسی به خوبی می داند که خطر اخوان تنها در هسته های عملیاتی آن خلاصه نمی شود، بلکه در «روایت» و «تاریخ سازی» آن ها برای نسل های آینده است. اگر این روایت توسط آثاری مانند «راس الافعی» خنثی شود، اخوان برای همیشه به یک «گروهک منفرود تاریخی» در ذهن جامعه مصر تبدیل خواهد شد. این همان هراسی است که رهبران اخوان از آن دارند و این همان اطمینانی است که السیسی به دنبال تثبیت آن در جامعه است.

در پایان، سریال «راس الافعی» ۲۰۶۶ فراتر از یک سرگرمی ساده، رضانی، یک پروژه عظیم فرهنگی-امنیتی برای حذف جریان اخوان المسلمین در حافظه تاریخی مصر است. این سریال با روایت مستند و پرکشش خود از تعقیب محمود عزت، تاکنون توانسته است توجه طیف وسیعی از مخاطبان را جلب کرده و هم زمان، خشم و بی اعتنایی هواداران اخوان را برانگیزد. هرچند منتقدانی به رویکرد یک جانبه آن ایراد می گیرند، اما شواهد نشان می دهد که این اثر در دستیابی به هدف اصلی خود یعنی «ایجاد آگاهی عمومی نسبت به چهره سکولار پسند از اخوان» موفق بوده است. در نهایت، «راس الافعی» رami توان گام بلند سکولاریسم در مسیر «تاریختنگاری تصویری» دوران معاصر مصر دانست.

چهارمین قسمت و پرداختن به دیدار محمود عزت با سید قطب (تئوریسین معروف اخوان و معروف به آموزگار تکفیر) در دهه ۱۹۶۰ است. در قسمت چهارم یک فلش بک تاریخی دیدار «محمود عزت» با «سید قطب» نشان داده شد. در این مواجهه، عزت، قطب را از دستگیری اعضای گروه مطلع می کند، که قطب با آرامش و قاطعیت به آن پاسخ می دهد و تأکید می کند که «بی عدالتی» سوخت واقعی برای کاشت ایده ها در ذهن جوانان در طول نسل ها است. این صحنه، روایتی تاریخی را آشکار می کند که زمانی که قطب قبل از اعدام، وصیت نامه اش را به عزت داد و گفت: «میراثی بزرگتر از یک وصیت نامه برای تو به جا خواهم گذاشت... ایده ها و دیدگاه من باید ادامه یابد و اخوان المسلمین نباید به هر قیمتی از بین برود.» اینجاست که نویسنده فیلم با نشان دادن تصویری خونین و رویکرد محمود عزت را در پیگیری های فعلی اش با امنیت ملی دولت سکولار مصر توضیح می دهد. در صحنه های بعدی، طرح ترور جمال عبدالناصر، تخریب پل های قاهره، منفجر کردن تأسیسات برق و... به تصویر کشیده می شود که نشان می دهد ریشه خشونت های امروز اخوان به دهه ها قبل بازمی گردد. در ادامه، سریال به طور مشخص به نقش محمود عزت در هدایت عملیات های تروریستی پس از ۲۰۱۳ می پردازد: تشکیل «کمیته های ویژه» برای ترور شخصیت های دولتی، قاچاق ارز به خارج برای ایجاد بحران اقتصادی، برنامه ریزی برای انفجار در متروی قاهره (ایستگاه عربی) و تلاش برای فرار عناصر تروریست از کشور با هواپیما. همچنین نحوه فرار و مخفی شدن هوشمندان عزت و تلاش بی وقفه سازمان امنیت برای ردیابی او به تصویر کشیده شده است.

کارشناسان مصری بر این باورند که سریال هایی مانند «راس الافعی» به عنوان «اسلحه ای نرم و استراتژیک در مقابله با جنگ شناختی و تلاش برای تحریف تاریخ» عمل می کنند. منیر ادیب، پژوهشگر جنبش های افراطی، معتقد است یک قسمت از این سریال تأثیر بیشتری از صدها سخنرانی سیاسی و کتاب تخصصی در افشای چهره واقعی اخوان دارد. این سریال به عنوان یک «سند تصویری» زنده عمل می کند تا دوره سرنوشت سازی از تاریخ معاصر مصر را برای نسلی که آن روزها را تجربه نکرده، روایت کند. منتقدان تأکید دارند که این اثر صرفاً به سرگرمی نمی پردازد، بلکه به یک «توثیق ملی» تبدیل شده است. دلیل سرمایه گذاری عظیم شرکت «المتحد» (که وابسته به دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی مصر است) بر روی این پروژه، دقیقاً همین کارکرد اهری بردی آن است. دستورالعمل های بخش شده برای پوشش رسانه ای این سریال نشان می دهد که دولت مصر از آن به عنوان بخشی از پروژه ای کلان برای خنثی سازی روایت های جعلی اخوان و تقویت روحیه ملی استفاده می کند. هدف این است که مخاطب مصری با دیدن این تصاویر، به این باور برسد که وطن توسط دستگاه های امنیتی متخصص و فداکار محافظت می شود.

بدیهی است که بخش چنین سریالی با واکنش های تند و گسترده ای از سوی طیف های مختلف، به ویژه هواداران اخوان المسلمین، روبرو شده است. شبکه های وابسته به اخوان مانند «رصد» و صفحات نزدیک به آن در فضای مجازی، با بلاغی پس از بخش سریال، کارزار رسانه ای گسترده ای را علیه آن به راه انداختند. نکات اصلی که آن ها بر آن تمرکز کردند عبارتند از: هواداران اخوان تلاش کردند با بزرگنمایی برخی جزئیات کوچک (مثل آن کم محمود عزت در ماجرای ۱۹۶۵) کل سریال را غیر واقعی و دروغین جلوه دهند. آن ها ادعا می کنند سریال می خواهد بگوید محمود عزت در کودکی در توطئه ترور عبدالناصر نقش داشته، در حالی که منتقدان رسمی مصر پاسخ دادند که سریال هرگز چنین ادعایی نکرده و فقط به دنبال نشان دادن تداوم خط فکری خشونت از آن دوران تا امروز است. یکی از کاربران

تحریک احساسات قومی و مذهبی، موجی از غیرت کور و تنفر را در بین برادران اهل سنت عراق علیه هم کیشان شان برانگیزد.

تلویزیون مصر در مدار امنیت و سیاست

در ماه مبارک رمضان ۲۰۲۶، تلویزیون مصر با طیف گسترده ای از سریال های میزبان مخاطبان خود است. این آثار را می توان در چند دسته کلی از نظر مضمون و رویکرد تقسیم بندی کرد. دولت مصر به رهبری عبدالفتاح السیسی در سال های اخیر کنترل قابل توجهی بر برنامه های تلویزیونی و مقابله با اخوان المسلمین اعمال کرده است. این نظارت دولتی باعث شده تا خط قرمزهای مشخصی برای سریال ها تعریف شود که مهم ترین آنها پرهیز از هرگونه انتقاد مستقیم از مسئولان و نهاد های حاکمیتی است. با این حال، دولت تلاش می کند از ظرفیت سریال ها برای تقویت هویت ملی و مقابله با گفتمان های رقیب استفاده کند.

«راس الافعی»، بازنمایی تاریخی یا بیانیه سیاسی؟

در میان انبوه سریال های رمضان ۲۰۲۶ مصر، یک اثر بیش از همه خیره ساز شده و توجهات را به خود جلب کرده است: «راس الافعی» (سرافعی). این سریال که توسط شرکت «المتحد» (للمتخدمات الاعلامیه) تولید شده، در نگاه اول یک اثر پلیسی معمولی به نظر می رسد، اما با گذشت ده قسمت از بخش آن، مشخص شد که با یک پروژه جنگی در جریان شناسی و امنیتی چند لایه ای روبرو هستیم. ساخت این سریال در برهه کنونی پاسخی است به نیاز دولت سکولار مصر برای تثبیت قدرت خود و مستند سازی مخالفت هایش با اخوان المسلمین تا از این هیفیات حکمرانی اش رادر حافظه تاریخی نسل جدید رنگ و لعاب دهد. این سریال را می توان در سر حلقه تقابل «اسلام سیاسی» با «اسلام سکولار» در رمضان ۲۰۲۶ تحلیل کرد.

سریال «راس الافعی» به کارگردانی محمد بکیر و نویسندگی هانی سرحان، با بازی امیر کراره (بازیگر مطرح سینمای مصر) و جمعی از ستارگان دیگر ساخته شده است. بنا به ادعای کارگردان فیلمنامه سریال که در سی قسمت تولید شده، به ژانر درام های تشویقی و مستند تعلق دارد و بر اساس وقایع واقعی و مستندات تاریخی شکل گرفته است. محوریت داستان، تعقیب و دستگیری نهیمن مرشد عام جماعت اخوان المسلمین به نام محمود عزت (معروف به راس الافعی) که در این سریال با عنوان خطرناکترین عنصر توسط سازمان امنیت ملی مصر است. محمود عزت که به عنوان «عقل پنهان» و صندوق اسرار اخوان، مسئول شاخه نظامی و امنیتی اخوان شناخته می شود، پس از سرنگونی حکومت اخوان در ژوئن ۲۰۱۳، به مدت هفت سال مخفیانه زندگی می کرد و از زیرزمین ها، گروه را رهبری می نمود. تا قسمت دهم سناریوی سریال به چند دوره تاریخی مهم می پردازد. قسمت های اول با تمرکز بر تحولات پس از ۳۰ ژوئن ۲۰۱۳ (سرنگونی محمد مرسی) و پراکنده شدن اعضا صاب های «رابعه العدویه» و «النهضة» آغاز می شود. سریال نشان می دهد که چگونه اخوان از همان لحظات اول، نقشه های تروریستی خود برای مقابله با دولت جدید را طراحی کرد. گرافه نیست اگر ادعایم که یکی از جذاب ترین بخش های سریال تا قسمت دهم در

عبور از تابوهای پیشین و ورود به عرصه ای است که در آن بازنمایی تاریخ، دین و قدرت به محل مناقشه ای آشکار تبدیل شده است.

پشت پرده سریال رمضان «حمدی» سریالی که بغداد را نگران کرد

سریال «حمدی» که از شبکه MBC عراق پخش می شود، نمونه ای جدید از این دست تولیدات است. این سریال با داستانی جنجالی، واکنش های گسترده ای در سطوح مردمی، رسانه ای و رسمی عراق برانگیخته و نگرانی هایی را درباره تأثیر آن بر روابط ایران و عراق ایجاد کرده است. این یادداشت با بهره گیری از آخرین اطلاعات موثق، به تحلیل ابعاد مختلف این سریال می پردازد.

سریال «حمدی» داستان دختری یتیم و سنی مذهب از جنوب عراق را روایت می کند که به منطقه کاظمین بغداد (با اکثریت شیعه) آواره می شود. او در آنجا با شخصیتی به نام «جوان ایرانی» آشنا شده و وارد رابطه ای نامشروع می گردد که حاصل آن تولد فرزندی به نام «مهدی» است. نکته بسیار تأمل برانگیز آنکه این فرزند در ادامه داستان به گروه تروریستی داعش می پیوندد. این پیوند روایی، آشکارا به دنبال القای سه گانه «تشیع - ایرانی گری - داعش» به مثابه یک زنجیره علی و معلولی است. فیلمنامه با استفاده از کلیشه های تفرقه افکن، نه تنها دوگانه های سنی - شیعه و عرب - عجم را تقویت می کند، بلکه با پیوند زدن ایرانیان به فساد اخلاقی و سپس افراط گرایی، تلاشی هدفمند برای باز نویسی روایت های اجتماعی رایج در منطقه انجام می دهد.

واکنش به این سریال حتی پیش از پخش گسترده و قابل توجه بوده است. مهم ترین بازتاب، سخنان حجت الاسلام سید صدرالدین قبانچی، امام جمعه نجف اشرف، بود که سریال را «انحرافی و فاسد» خواند و از نویسنده آن به عنوان «نویسنده ای بی تعارف» یاد کرد. همچنین پارلمان عراق از کمیسیون ارتباطات و رسانه خواست است مسئولان شبکه MBC عراق را برای ارائه توضیحات رسمی احضار کنند. این سطح از واکنش نهاد های رسمی، نشان دهنده حساسیت بالای جامعه عراق نسبت به هرگونه اقدامی است که انجام اجتماعی این کشور را تهدید کند. عراق با تجربه سال ها اشغال، جنگ داخلی و حضور گروه های تروریستی، امروز بیش از هر زمان نیازمند حفظ همبستگی میان گروه های مختلف مذهبی و قومی خود است.

از سوی دیگر روابط ایران و عراق پس از سال ها تنش، در دو دهه اخیر به مرحله تازه ای از همکاری و تفاهم وارد شده است. اشتراکات عمیق مذهبی، فرهنگی و اجتماعی، به ویژه وجود عتبات عالیات و حضور میلیونی زائران ایرانی، دو کشور را به هم پیوند داده است. در چنین شرایطی، تولید سریالی که تصویری مخدوش از ایرانیان و شیعیان ارائه می دهد، می تواند به عامل تنش زادر افکار عمومی تبدیل شود. انتخاب ماه رمضان - که ماه وحدت و همدلی اسلامی است - برای پخش چنین اثری، نشان دهنده اهدافی فراتر از سرگرمی سازی است. این سریال با باز نویسی تاریخ معاصر و القای (سوء تفاهم ساختاری) «میان دولت، می تواند زمینه ساز بدبینی نسل جدید عراق نسبت به ایرانیان شود.

سریال «حمدی» بخشی از جریان گسترده تری است که با سرمایه گذاری بر شکاف های موجود، به دنبال بازتعریف روابط اجتماعی و مذهبی در منطقه می باشد. واکنش به چنین اثری نیازمند هوشمندی و پرهیز از شتابزدگی است. این سریال رمضان مسموم با لایه های پنهان خود، در صدد نشانه گیری علیه تشیع و ایران است و می کوشد با